

امیدارینده

نشریه اختصاصی جمعیت و خانواده | سال اول | شماره ۲ | تیر ۱۴۰۲

کی نوشو می ده...؟



درآمد

حاج آقا بالای منبر در حال سخنرانی بود؛ دغدغه و موضوع بحث هم فرزندآوری. از پامنبری هاش پرسید: «کیا ازدواج کردن و فرزند ندارن؟». کلی دست رفت بالا! بعد پرسید: «چرا بچه نمیاری؟». اکثر گفتن خیلی هزینه داره حاج آقا! دخل و خرج مون کفاف نمیده بخوایم بچه بیاریم! حاج آقا گفت: «اگه من هزینه هاش رو تا تولد متقبل بشم چی؟» گفتن حاجی فقط اون نیست که! هزینه پوشک و شیر خشک و دکتر و ... تا مدرسه هم هست. حاج آقا گفت: «اون هزینه ها هم با من؛ دیگه مشکل چیه؟» گفتن هیچی! بچه میاریم! حاج آقا با یه خنده ی تلخی گفت: «واقعاً که! حرف من یه لا قبا که میگم هزینه های بچه با من، قبول می کنید؛ ولی قول خدای قادر متعال (که همه ی عالم تحت اراده اش هست) در قرآن رو قبول نمی کنید که می فرماید رزق شما و فرزندان تون رو من میدم!». سکوت معناداری جلسه را فراگرفت...

مسئله این است که آیا دستگاه محاسباتی ما بر اساس قرآن و وعده های الهی است یا نگاه مادی؟

قرآن کریم هدف خلقت را «عبودیت» بیان می کند و بلافاصله تصریح دارد که من از شما رزق دادن و اطعام نخواستم (خودم رزاق م) شما فقط به وظیفه (همان عبودیت و اطاعت خدا) عمل کنید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ مَا أَرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أَرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونِ» [ذاریات / ۵۶ و ۵۷]

«و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریدیم. از آنان هیچ رزقی نمی خواهم، و نمی خواهم که مرا طعام دهند.»

اتفاقاً وعده ی خدای متعال این است که به دنبال ایمان و تقوا، برکات مادی هم بر جامعه نازل می شود:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» [اعراف / ۹۶]

«و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، ولی آیات الهی و پیامبران را [تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند [به عذابی سخت] گرفتیم.»

همین قرآن وعده داده است که رزق فرزندان تان (مثل رزق خودتان) بر عهده ی ماست:

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبِيَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِنَّا كُمْ أَنْ قَتَلْتُمْ كَانْ خَطِئًا كَبِيرًا» [اسراء / ۳۱]

«فرزندانتان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان و شما روزی می دهیم، یقیناً کشتن آنان گناهی بزرگ است»

آیا فرزند بیشتر، هزینه های بیشتری به زندگی تحمیل نمی کند؟

آیا می دانید:

- در گذشته خانواده ها تعداد فرزندان بیشتری داشتند و همین فرزندان بازوی خانواده و کمک کار ایشان (خصوصاً در مناطق روستایی و در امر کشاورزی) به جهت اقتصادی بودند؟

- تحولات سیاسی و فرهنگی باعث کاهش روستانشینی و افزایش شهرنشینی شد و فرهنگ آپارتمان نشینی افراد را به سمت خانه های کوچکتر و به ناچار فرزند کمتر سوق داد؟

- تغییرات فرهنگی و رواج فرهنگ غربی باعث شده است اغلب والدین، فرزندان خود را مصرف کننده بار بیاورند که کل بر خانواده محسوب می شوند؟ (اگر این فرهنگ به گونه ای تغییر کند که فرزندان در اقتصاد خانواده و رونق به آن مشارکت داشته باشند، تلقی هزینه ساز بودن فرزندآوری از بین می رود. امروزه در فرهنگ عمومی اینطور تصور می شود که والدین باید بهترین امکانات را با سختی زیاد تهیه کرده و در اختیار فرزندان بگذارند تا آنها دچار هیچ سختی ای نشوند. در حالی که در گذشته بخش عمده ای از چرخش اقتصاد خانواده با فرزندان بوده است)

مطالعات مختلف نشان می دهد که گریز از فرزندآوری بیشتر ریشه ی فرهنگی دارد تا اقتصادی. تغییرات فرهنگی مختلفی در این امر دخیل بوده است. برای مثال از زمان پهلوی دوم که حرکت به سمت توسعه ی صنعتی آغاز شد و روستانشینی کاهش یافت (مردم از روستاها به شهرها آمده و بسیاری از روستاها نابود شد)، شهرنشینی و فرهنگ متناسب با آن و خانواده های تک هسته ای گسترش پیدا کرد. با ازدیاد مشکلات اقتصادی (خصوصاً در شهرها) مردم به خانه های کوچکتر روی آوردند و این خانه ها جوابگوی فرزندآوری بالا نبود. در حقیقت اصلاحات ارضی که در زمان محمدرضا شاه پهلوی صورت گرفت، زمینه ی تغییر فرهنگ فرزندآوری را ایجاد کرد

بازویی توانا

خانهای که کودک در آن نباشند، برکت ندارد

طبق نقلی، امام حسن عسکری (ع) - که در مقطعی به دستور معتمد عباسی در زندان به سر می بردند - برای یکی از یاران خود در زندان که فرزند نداشت، اینطور دعا فرمودند: «خداایا! به او فرزندی روزی کن که بازوی توانایی برای وی باشد؛ چراکه فرزند چه خوب بازویی است» سپس این شعر را خواند:

«هرکس که بازویی (فرزندی) دارد، اگر ستمی بر او رود، فرزندش آن را می ستاند. دلیل و خوار کسی است که بازو (فرزند) ندارد». «دَخَلَ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيَّ عَ عَلِيْنَا الْحَبِيسِ وَ كُنْتُ بِهِ عَارِفًا فَقَالَ لِي لَكَ خَمْسٌ وَ سِتُونَ سَنَةً وَ سَهْلٌ وَ يَوْمَانِ. وَ كَانَ مَعِي كِتَابٌ دُعَاءِ عَلَيْهِ تَارِيخٌ مَوْلِدِي وَإِنِّي نَظَرْتُ فِيهِ فَكَانَ كَمَا قَالَ. وَ قَالَ هَلْ زُرَقْتُ وَ لَدَا قَلْتُ لَا. فَقَالَ اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ وَ لَدَا يَكُونُ لَهُ عَضُدٌ فَنِعْمَ الْعَضُدُ الْوَلَدُ ثُمَّ تَمَثَّلَ عَ مَنْ كَانَ ذَا عَضُدٍ يُدْرِكُ ظِلْمَتَهُ إِنَّ الدَّلِيلَ الَّذِي لَيْسَتْ لَهُ عَضُدٌ / قطب الدین راوندی، سعید بن هبیه الله، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۷۸) به این جهت، قرآن کریم داشتن مال و فرزندان را نشانه امداد الهی و وسیله قدرتمندی و اقتدار می داند و می فرماید: «وَ أَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» [اسراء / ۶] «و شما را به وسیله اموال و فرزندان یاری می کنیم و از حیث نفرت، بیشتر [از آنها] قرار می دهیم» البته برای داشتن فرزندان مقتدر باید روی تربیتشان حساس بود تا والدین در مواقع سختی بتوانند روی کمک آنها حساب کنند. جوان مؤمن اهل کار و خلاق می تواند با نیروی فکری و قوت بدنی خود، گام های مؤثری در رشد و تعالی خود، خانواده و جامعه بردارد؛ چراکه یکی از پایه های اصلی قدرتمندی، تولید ثروت و پیشرفت هر خانواده و جامعه ای، جمعیت آن است و هر کشوری که از جوانان غیرتمند پُرانرژی برخوردار است، قوی و پیشرفته است.



عارضه پرهیز از فرزندآوری

«این میل به کم بودن فرزند، يك عارضه است؛ والا انسان به طور طبیعی فرزند را دوست می دارد. چرا ترجیح می دهند افرادی که فقط يك فرزند داشته باشند؟ چرا ترجیح می دهند فقط دو فرزند داشته باشند؟ چرا زن به شکلی، مرد به شکلی پرهیز می کنند از فرزندداری؟ اینها را بایستی نگاه کرد و دید عواملش چیست؛ این عوامل را پیدا کنید، برای علاج این عوامل بیماری زا - که به اعتقاد بنده اینها عوامل بیماری زا است - متخصصین و صاحبان اندیشه را بخواهید فکر کنند. فرض کنید مثلاً بالا رفتن سن ازدواج؛ خب بلاشک یکی از چیزهایی که باروری را محدود می کند، بالا رفتن سن ازدواج است؛ خب، این یکی از کارهایی است که باید در کشور فکر بشود. چرا سن ازدواج در کشور ما بالا رفته؟ مگر جوان هفده ساله، هجده ساله، نوزده ساله، احتیاج ندارد به اطفاء نیاز جنسی و غریزه ی جنسی؟ ما باید به این فکر کنیم. خب، از آن طرف می گویند که اینها خانه ندارند، شغل ندارند، درآمد ندارند؛ ببینیم چگونه می شود کاری کرد که همه ی اینها با هم جمع بشود. ما نباید تصور بکنیم که حتماً بایستی يك نفری يك خانه ی ملکی داشته باشد، يك شغل درآمداری داشته باشد، بعد ازدواج بکند؛ نه، ان یكونوا فقراء یغنیهم الله من فضله؛ این قرآن است [که] با ما دارد این جور حرف می زند.» [بیانات در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» ۱۳۹۲/۸/۶]

نسبت وابستگی

یکی از معیارهای مهم در جمعیت، نسبت وابستگی است. نسبت وابستگی، یک نمای کلی برای اقتصاددانان جهت ردیابی تغییرات در جمعیت است. این نسبت، تعداد افراد وابسته به کل جمعیت در سن کار در یک کشور یا منطقه را اعلام می‌کند و تصویری از ترکیب یک جمعیت در مقایسه با نیروی کار آن ترسیم می‌کند. با افزایش سن جمعیت، نسبت وابستگی تغییر می‌کند و نیازهای افزایش یافته‌ی مرتبط با جمعیت سالخورده را منعکس می‌کند. همچنین این نسبت پیامدهای مالیاتی وابستگی را روشن می‌کند. علاوه بر این موارد باید گفت نسبت وابستگی بر جداسازی افراد در سن کار، (۱۵ تا ۶۴ سال)، از افراد در سن غیر کار متمرکز است. نسبت وابستگی بالا به این معنی است که افراد در سن کار و به‌طور کلی اقتصاد با بار بیشتری در حمایت از جمعیت سالخورده روبرو هستند. نسبت وابستگی جوانان فقط افراد زیر ۱۵ سال را شامل می‌شود و نسبت وابستگی سالمندان روی افراد بالای ۶۴ سال متمرکز است. با افزایش درصد شهروندان غیر شاغل، کسانی که کار می‌کنند احتمالاً مشمول مالیات افزایشی برای جبران جمعیت بیشتر وابسته خواهند شد. گاهی اوقات، نسبت وابستگی تنظیم می‌شود. تا وابستگی دقیق‌تری را منعکس کند. دلیل این مساله، این واقعیت است که افراد بالای ۶۴ سال اغلب به کمک‌های دولتی بیشتری نسبت به افراد تحت تکفل زیر ۱۵ سال نیاز دارند. یک نسبت وابستگی خوب، نسبت وابستگی کم است. یعنی تعداد کافی افراد در نیروی کار، که می‌توانند از جمعیت وابسته حمایت کنند علاوه نشان‌دهنده مراقبت‌های بهداشتی بهتر برای بزرگسالان مسن و حقوق بازنشستگی بالاتر است. در مقابل، نسبت وابستگی بالا نشان‌دهنده استرس بر اقتصاد است. زیرا جمعیت وابسته آنقدر زیاد است که توسط نیروی کار پشتیبانی نمی‌شود. در پایان باید گفت کمترین نسبت وابستگی از سال ۲۰۲۱ (۱۸،۳۸) را قطر و بیشترین نسبت وابستگی را نیجر (۱۰۸،۹۲) دارد.

یک اتفاق خوب...

به گزارش خبرگزاری مهر، سردار تقی مهیری در خصوص کسر خدمت سربازان وظیفه دارای فرزند گفت: از اول خرداد ماه سربازان وظیفه متأهل علی‌رغم دریافت ۲ ماه کسر خدمت تأهل تا پایان سال ۱۴۰۴ به ازای تعداد فرزندان از تسهیلات کسر خدمت جدید بهره‌مند می‌شوند. وی گفت: سربازان وظیفه حین خدمت می‌توانند از ۳ ماه کسر خدمت برای فرزند اول، ۴ ماه کسر خدمت برای فرزند دوم و ۵ ماه کسر خدمت برای فرزند سوم بهره‌مند شوند. سردار مهیری در ادامه افزود: این تسهیلات صرفاً به سربازان وظیفه حین خدمت اعطا می‌شود و این افراد می‌توانند با ارائه مدارک لازم به یگان خدمتی از کسر خدمت سربازی استفاده کنند. این مقام ارشد انتظامی خاطرنشان کرد: مشمولان و خانواده‌های آنان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان به نشانی www.vazifeh.police.ir و یا کانال سازمان در پیام‌رسان‌های داخلی (سروش، ایتا و روبیکا) به نشانی [@khabaresarbazi](https://t.me/khabaresarbazi) از آخرین اخبار مربوطه مطلع شوند.

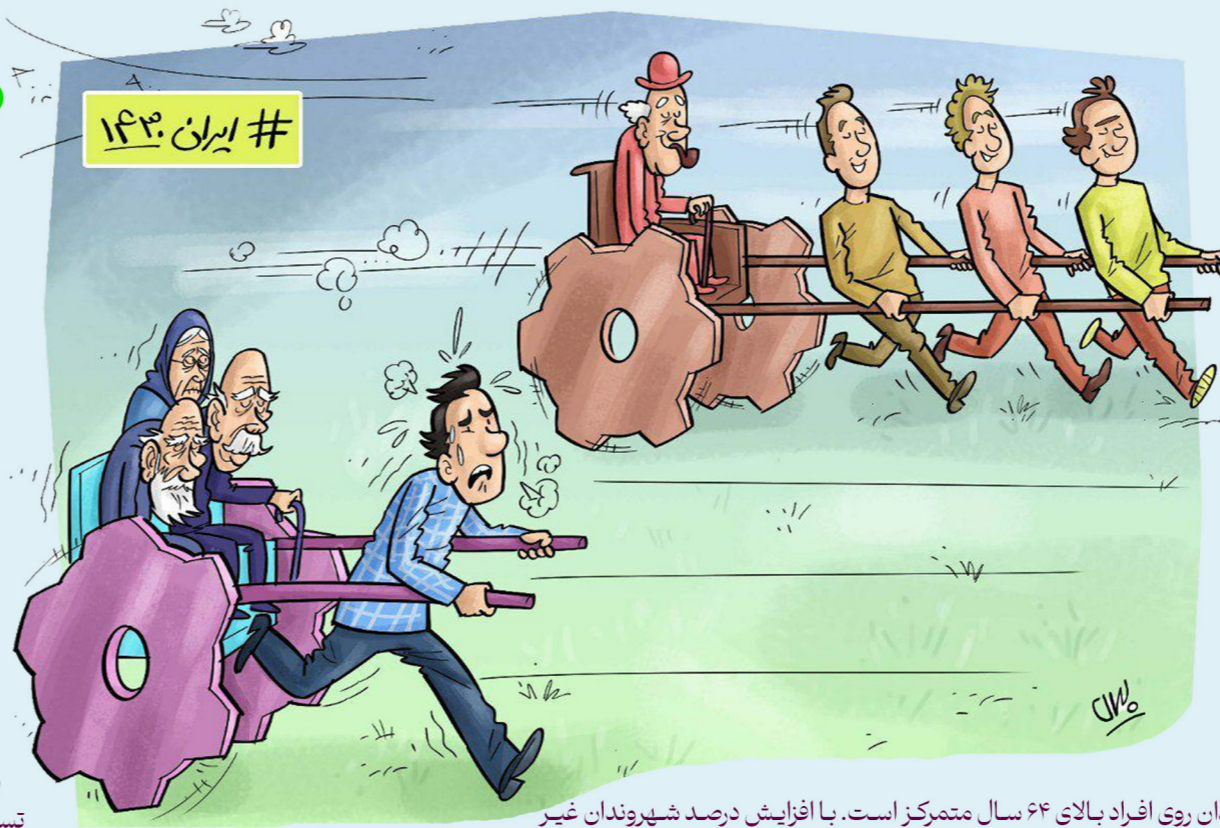
معرفی کتاب

رویکرد خداپاوارانه به موضوع جمعیت و چالش‌های ناشی از آن، بینش انسان را در این موضوع به بلندی حقایق و حیاتی ارتقا می‌دهد. این اثر تلاشی است با این رویکرد تا رابطه صفات الهی با فرزندآوری و فرزندپروری را بررسی، و با الهام از دستاوردهای آن، رهیافت‌هایی توحیدی برای مطالعات جمعیتی ارائه کند و آن را از انحصار مادی‌گرایی رها سازد.

نام: رازقیت الهی و افزایش جمعیت - مبانی کلامی جمعیت
نویسنده: سید مرتضی موسوی
ناشر: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)



برای مشاهده متن خبر
بارکد روبرو را اسکن کنید



یادداشت دکتر حسین مروتی کارشناس حوزه جمعیت

نکاتی از تأثیر و تأثر مقوله‌های اقتصاد و جمعیت بر یکدیگر

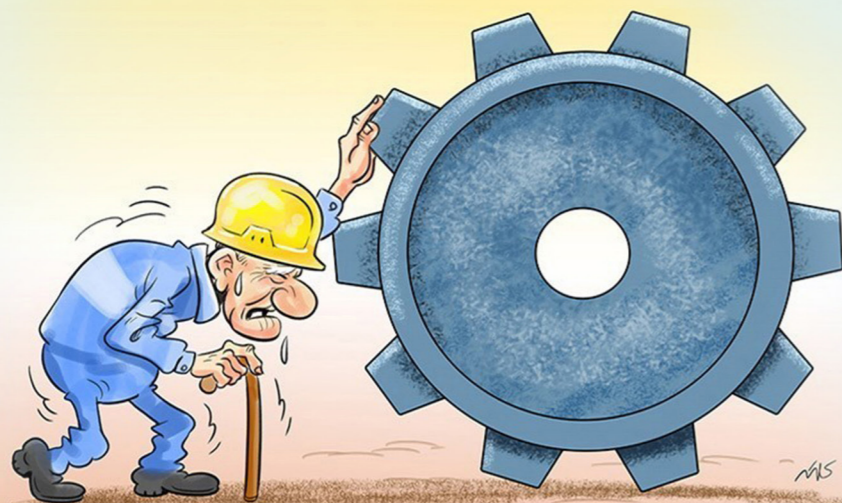
بر اساس مطالعات متعدد صورت گرفته، تعداد مطلوب فرزند برای خانواده‌های ایرانی قریب به ۲٫۵ فرزند است، چنانکه در مطالعه «بررسی نحوه نگرش جوانان در آستانه ازدواج و زنان همسر دار ۱۵-۴۹ ساله نسبت به فرزندآوری و شناخت عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر آن» مشخص شد تعداد فرزند دلخواه مردان و زنان در آستانه ازدواج به ترتیب ۲٫۴ و ۲٫۲ فرزند بوده و این میزان برای زنان همسر دار ۱۵-۴۹ ساله، متوسط ۲٫۸ فرزند بوده است. مطالعات متعدد دیگری که طی دهه اخیر صورت گرفته، اعداد مشابهی را نشان داده‌اند. در واقع رفع تمام مشکلات موجود بر سر راه فرزندآوری خانواده‌های ایرانی از قبیل مشکلات اقتصادی، نابرابری، سزاین، طلاق و بسیار دیگری از این دست که البته فرض محال است، نهایتاً و صرفاً به تحقق همین ۲٫۵ فرزند خواهد انجامید. این در حالی است که طبق نتایج آخرین سرشماری (۱۳۹۵) قریب به ۲ فرزند از این ۲٫۵ فرزند، در بازه سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ محقق شده است. در واقع رفع تمام مشکلات موجود، می‌توانست تنها ۰٫۵ فرزند به نرخ باروری زنان ایرانی در سرشماری آینده بیفزاید. این میزان از باروری در صورت تثبیت نیز، صرفاً مانع کاهش جمعیت در دراز مدت خواهد بود و کمک قابل توجهی به مقابله با سالخوردگی شدید جمعیت کشور در آینده نخواهد کرد. از این رو مهم‌ترین کاری که باید برای مقابله با سالخوردگی شدید جمعیت صورت گیرد، تغییر «ذائقه فرزندخواهی» خانواده‌ها و در واقع افزایش تعداد فرزندان دلخواه برای خانواده‌ها می‌باشد. به نظر می‌رسد در صورتی که این ایده آل تغییر کند و «ارزش کم فرزندآوری» به صد ارزش تبدیل شود، مردم خود بسیاری از مشکلات این مسیر را مدیریت خواهند نمود؛ حقیقتی که البته نافی لزوم حمایت حاکمیت و ارائه تسهیلات به منظور فرزندآوری نیست.

بحران جمعیت از سنخ فرهنگی است

اگرچه مهم‌ترین راهکارهای بحران جمعیت در ایران از سنخ فرهنگی هستند ولی باید توجه داشت که برخی از راهکارهای غلبه بر بحران جمعیت، زمینه را برای اثرگذاری راهکارهای دیگر فراهم می‌کنند؛ از این رو شناخت زمینه‌هایی که سبب مؤثر واقع شدن یک کار فرهنگی و یا فعالیت اجتماعی می‌شود و تدارک دیدن آنها، ضروری است. در نگاه نخست ممکن است آن موضوعی که زمینه‌ساز اثرگذاری را فراهم می‌کند، مهم به نظر نیاید ولی این مسئله نباید فرد یا گروه را از پرداختن به آن موضوع غافل کند. همانطور که وضو به خودی خود واجب نیست، ولی به دلیل مقدمه واجب بودن، واجب به شمار می‌آید. در واقع اهمیت نماز از وضو بیشتر است و وضو اهمیتش را عمدتاً از نماز دارد؛ ولی نماز نیز بدون وضو، مقدور نیست. مصداقاً تغییر «ذائقه فرزندخواهی» اقشاری از مردم، مشروط به رفع نگرانی‌های معیشتی ایشان است و یا منوط به اطمینان خاطر یافتن از جدیت حکومت در حمایت از فرزندآوری بیشتر. در این شرایط پرداختن به این موضوع می‌تواند مانع اثر بخشی فعالیت‌های فرهنگی شود. بدین منظور باید بیشترین توان را برای اجرای کامل قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت اختصاص داد و اعطای تسهیلات و مشوق‌هایی در نظر گرفته شده را از حاکمیت مطالبه کرد.

اثرگذاری عوامل اقتصادی بر تعداد فرزند مدنظر خانواده

وقتی که در یک جامعه رفتار باروری، ارادی شود و هنجار فرزندخواهی به دو-سه بچه برسد، معمولاً شرایط اقتصادی بهتر منجر به فرزندآوری بیشتر نمی‌شود. عموم خانواده‌ها فرزند نخست را برای بهره‌مندی از نعمت فرزند و اثبات توان فرزندآوری می‌آورند و فرزند دوم را نیز برای تنها نبودن فرزند نخست و یا تکمیل شدن جنس فرزندان (بهره‌مندی توأمان از دختر و پسر)، معمولاً نیز مشکلات اقتصادی اثر قابل ملاحظه‌ای بر این میزان از فرزندآوری (دو بچه) ندارد؛ یعنی مردم با وجود مشکلات جدی اقتصادی نیز سعی می‌کنند که دو فرزند داشته باشند. اما مانع اقتصادی می‌تواند بر اراده‌ی آوردن بچه دوم به بعد اثر بگذارد و خانواده‌هایی که در تنگنای معیشتی قرار دارند و بیش از دو بچه می‌خواهند را از آوردن فرزند سوم و بیشتر منصرف کند. پس رفع مشکلات اقتصادی این خانواده‌ها اهمیت زیادی دارد.





مصاحبه با دکتر محمد جواد توکلی دکترای اقتصاد و مدرس دانشگاه

۱. تلقی عمومی جامعه این است که فرزندآوری بیشتر، هزینه ی بیشتری را هم به خانواده و جامعه تحمیل می کند (نه آنکه سرمایه باشد) و این باور در بسیاری رسانه ها هم گفته می شود. در این رابطه توضیح دهید که حقیقت قضیه چیست؟
یکی از تلقی های عمومی که باعث کاهش نرخ باروری شده، چیزی هست که در قرآن از آن به عنوان «خشیت املاق» یاد می شود. در آن زمان از ترس فقر بچه هایشان را می کشتند و الان هم از بچه دار شدن ممانعت می کنند یا سقط می کنند.
این تلقی که ما یک نگاه محاسبات مادی داشته باشیم دو دو تا چهارتا بکنیم و فکر کنیم که از پس هزینه های بچه بزنمی آییم به نظر می رسد خلاف هدف خلقت باشد؛ انسان آفریده شده که بالاخره در راستای تکثیر نسل هم عمل کند و زمینه ای باشد که آدم های جدیدی بیایند و خلیفه الهی انسان تحقق پیدا کند و انسان های بیشتری در معرض امتحان الهی قرار بگیرند. این یک بعد قضیه هست و یک بعد دیگر اینکه این تلقی وجود دارد که مثلاً فرض کنید شما اگر صاحب دو فرزند شوید هزینه ها اضافه می شود؛ این تلقی با تلقی واقعیت سازگار نیست. ما در محاسبات اقتصادی و بحث بودجه ی خانوار که محاسبه می کنیم، درصدی را برای فرزند در نظر می گیرند که مثلاً با یک ضریبی هزینه های خانوار اضافه می شود که حالا براساس برآوردهای اقتصادی می شود گفت که خیلی از هزینه ها در خانواده سرشکن می شود مثلاً می شود گفت یه سری هزینه های ثابت داریم که به تعداد فرزند بستگی ندارد ولی خب هزینه های متغیر می تواند با افزایش فرزند افزایش پیدا کند ولی به نظر می رسد این تلقی عمومی که با افزایش تعداد فرزندان هزینه ها هم به همان میزان افزایش پیدا می کند، درست نیست. یک سری امکانات یک بار سرمایه گذاری شده است و این خودش کمک می کند که هزینه ها بالا نرود.

و البته یک بخشی از ماجرا هم این است که ما در بحث الگوی سبک زندگی به این سمت رفتیم که به فرزند به عنوان هزینه نگاه کنیم در صورتی که قبلاً فرزندان در امر معاش کمک حال خانواده بودند، ولی ما الان داریم بچه ها را مصرف کننده بار می آوریم. می توانیم الان در فضای جدید مثلاً فضای مجازی بچه ها را تشویق کنیم که مولد بشوند؛ این هم می تواند کمک کند که آسیب پذیریشان کم شود و هم این که می توانند از این محل کسب درآمد کنند؛ در حوزه مثلاً طراحی سایت و انیمیشن ورود کنند و در واقع خودشان مولد و کمک حال خانواده باشند و این باعث می شود که اضافه شدن فرزند جدید به خانواده باعث افزایش هزینه ها نشود، البته که ممکن است در سال های اول اینگونه باشد ولی در سال های بعد به تدریج آن فرزند می تواند مولد بار بیاید و کمک کار خرج خانواده باشد.

۲. برخی خانواده ها می گویند با توجه به سخت شدن شرایط اقتصادی کشور (و هزینه های سنگین فرزندآوری از دوران حاملگی تا زایمان و بزرگ کردن و مدرسه و...) چرا آنها باید چوب مشکلات را بخورند که حاکمیت در آینده با آنها مواجه می شود و بخاطر آن مشکلات، خانواده ها را به فرزندآوری تشویق می کند؟

اولین مشکلی که پیری جمعیت می تواند ایجاد کند مشکلات کلان اقتصادی است، یعنی تغییر نرخ باروری که الان به حد ۱٫۷ رسیده است، مشکلات کلانی ایجاد می کند. به عنوان مثال در ۲۰ سال آینده ۳۰ الی ۴۰ درصد جمعیت مان پیر خواهد بود که هزینه های بهداشتی درمانی را بالا می برد، مشکل ورشکستگی صندوق تأمین اجتماعی پیش می آید، مشکل کمبود نیروی کار ایجاد می شود و ... و خب خانواده ها می گویند که این مشکلات کلان اقتصادی چه ضرری برای ما خواهد داشت و ما مسئول دخل و خرج خودمان هستیم و مثلاً می گویند که مگر شما خبر از قیمت پوشک و شیرخشک ندارید؟ ولی خب درست است که در نگاه اول مشکل جمعیت، مشکل اقتصادی کلان است ولی در مرحله ی بعد خود خانواده ها متضرر می شوند و در آینده دولت به جای سرمایه گذاری روی فعالیت های مولد، باید روی طب سالمندی و بازنشستگی تمرکز کند. این داستان کاهش نرخ باروری مثل داستان خودکشی دسته جمعی وال هاست و ما با این کار یک خودکشی دسته جمعی می کنیم که دودش در چشم همه می رود.

در بحث جمعیت یکی از مخاطبان اصلی، دولت است که یک اشتباه سیاستی مرتکب شد و در بیست سال اخیر همه ی نهادها را بسیج کرد که کاهش جمعیت را فرهنگ سازی کند. ما نهایتاً ۲۶ سال وقت داریم که در سیاهچاله ی جمعیتی نیفتیم که اگر بیفتیم پیش بینی شده حدود ۱۰۰ سال طول می کشد تا از آن خارج شویم و الان باید دولت ها هزینه کنند که بعداً نخواهند چند برابر هزینه کنند. الان چرا نهاد های حکومتی سرمایه گذاری نمی کنند برای کاهش هزینه های مثلاً شیرخشک و ... و یا چرا دولت یارانه فرزند را جدی پرداخت نمی کند، در صورتی که در همه ی کشورها این اتفاق می افتد و ما هم در قانون جوانی جمعیت داریم. ما باید روی بحث مسکن جوانان فکر کنیم برای فرزندآوری، اشتغال و ... و این ترکیب وظایف دولت و خانواده و عموم مسلمین است.

جمعیت پیر بشه چی میشه..؟

- افزایش سرسام آور هزینه های درمانی (یک سالمند حدود ۱۰ برابر یک جوان دارو مصرف می کند)
- تا ۳۰ سال آینده با همین روند درصد سالمندان از ۱۰ به ۳۰، ۴۰ درصد رسیده و به سه برابر تخت بیمارستانی، پنج برابر مراکز فیزیوتراپی و چهار برابر آزمایشگاه بیشتر نیاز خواهیم داشت
- این هزینه های کمرشکن، اقتصاد کشور را دچار چالش می کند
- احتمال ورشکستگی صندوق های تأمین اجتماعی
- نرخ مناسب برای ورودی و خروجی صندوق های تأمین اجتماعی پنج به یک است (یعنی به ازای هر پنج نفر که حق بیمه پرداخت می کند، یک نفر حقوق بازنشستگی دریافت کند)
- با توجه به پیری جمعیت و دلایل دیگر برخی صندوق های تأمین اجتماعی به عدد یک رسیده اند! (یک نفر حق بیمه پرداخته و یک نفر حقوق بیکاری می گیرد)
- کاهش ورودی ها (میزان حق بیمه) و افزایش خروجی ها (جمعیت مسن) به صندوق های تأمین اجتماعی فشار می آورد



- سلب شدن امکان سرمایه گذاری در صنعت و کشاورزی با توجه به هزینه های سنگین درمانی
- کاهش نیروی کار

- ضرورت اجتناب ناپذیر مهاجرپذیری (در شرایطی که نرخ باروری میانگین در کشور ما ۱٫۶ هست، کشورهای همسایه مثل عراق و افغانستان نرخ باروری ۴ تا ۶ و حتی بالاتر از ۶ دارند. در سال های آینده اگر کشور ما پیر و سالمند شود و کشورهای اطراف جوان باشند، نیاز خود به نیروی کار را با پذیرش مهاجر از این کشورها باید جبران کنیم (کاری که کشورهای اروپایی هنگام کاهش جمعیت انجام دادند). تبعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی ناشی از مهاجرپذیری می تواند آسیب های جدی به کشور وارد کند)
- کاهش تخصص گرایی و تقسیم کاری و کاهش افراد مبدع، مخترع و خلاق
- کمبود بازار مصرف داخلی



امیدآینده

نشریه اختصاصی جمعیت و خانواده

ایران در مرحله فوق سالمندی

که در عرض ۳۰ سال به این مرحله خواهد رسید

TASNIM NEWS

متاسفانه ایران ششمین کشوری است که به مرحله فوق سالمندی جمعیت خواهد رسید



جمعیت سالمندان ۶۰ ساله تا سال ۲۰۵۰ به ۲ میلیارد نفر خواهد رسید



مرحله فوق سالمندی (انفجار سالمندان) **۲۱٪ به بالا** تا سال ۲۰۵۰

مرحله دوم سالمندی **۱۴٪ تا ۲۱٪** از سال ۲۰۴۰ تا ۲۰۵۰

مرحله اول سالمندی **۷٪ تا ۱۴٪** از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۴۰



وقوع انفجار سالمندی در کشورهای دیگر



ایران **۳۰ سال**



آلمان **۵۰ سال**



فرانسه **۸۰ سال**



بریتانیا **۹۰ سال**

این به معنای سرعت زیاد سالمندی جمعیت ایران است

نتایج سرشماری از سال ۱۳۹۵



کاهش رشد جمعیت



افزایش میان سنی ۳۰ سال به بالا



خبرگزاری تسنیم
TASNIMNEWS.COM

امیدآینده | نشریه اختصاصی جمعیت و خانواده | سال اول شماره ۲ | تیر ۱۴۰۲



ارتباط با ما: @omide_ayande

با اسکن این بارکد، به صفحه ما در ایستا متصل شوید.



شما کنشگران حوزه جمعیت می‌توانید خاطرات یا اخبار فعالیت‌های خود را برای ما ارسال کنید.